



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی



نوع نشر: ساده و روان

موضوع و محتوا: وطن دوستی، هم زیستی و همدلی اقوام ایرانی، دفاع از سرزمین و ...

نویسنده: فریدن اکبری شلدره (از مؤلفان کتاب درسی).

لحن: میهنی (البته تلفیقی از لحن تعلیمی، توصیفی و حماسی دیده می شود).

لحن میهنی: گونه ای از لحن خوانش متن است که در آن، خواننده می کوشد

باشور و حرارتی برانگیزاننده، غیرت ملی و حس بهدلی را بیدار سازد و بابره گیری از عاطفه و حس و حال مناسب، شنونده را

به احترام و دوستی میهن، فراخواند.

واژه های مهم: لحن: آهنگ کلام / غیرت: تعصب / همدلی: اتحاد، همراهی / بهره گیری: استفاده / عاطفه: مهر و محبت.



۱. مادران، دل به مهر فرزندان، گرم و تپنده می دارند و فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر، جان می گیرند و می پرورند و می بالند. این دو را پیوندها و آوندهایی به سرچشمه های یکتایی می رساند و خوشی و ناخوشی یکی را به دیگری پیوند می زند.

واژه های مهم: تپنده: لرزان، بی قرار، جنبان / پرتو: نور / گوارا: لذیذ، خوش مزه / جان: روان، روح / می پرورند: پرورش می یابند / می بالند: رشد می کنند، افتخار می کنند / آوند: لوله باریک در ساختمان گیاهان که مایعات غذایی برای تغذیه یاخته (سلول) در آن جریان دارد. (در اینجا به معنی ظرف و پیوند) / یکتایی: یگانگی / پیوند: ارتباط.

نکته های ادبی: دل به مهر کسی گرم و تپنده کردن: کنایه از مهر و علاقه فراوان / نغمه حروف (واج آرایی): تکرار «ن» و «د» / تضاد: خوشی، ناخوشی.

معنا و مفهوم: مادران، به عشق فرزندان زنده اند و فرزندان با نور محبت لذت بخش مادر، جان می گیرند و پرورش می یابند و رشد می کنند. رابطه های عمیقی این دو (=مادر و فرزند) را به اتحاد و یگانگی می رساند و شادمانی و غمگینی شان را به هم وصل می کند.



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متنی و زهرا کوشکی

۲. مادر، گرامی گوهری است که در کارگاه آفرینش خدای مهربان، همتایی ندارد. از این روست که هرچیز گرانمایه را اگر بخواهند از راه همانندی، بزرگ بشمارند و عزیز بدانند، به مام یا مادر مانند می کنند.

واژه‌های مهم: گوهر: سنگ قیمتی / گرامی گهر (گوهر گرامی): مروارید ارزشمند / همتا: همانند، نظیر / گرانمایه: ارزشمند، با ارزش / عزیز: گرامی، ارزشمند / مام: مادر.

نکته‌های ادبی: تشبیه (مادر: مشبّه؛ گوهر: مشبّه‌به) // کارگاه آفرینش: اضافه تشبیهی (آفرینش: مشبّه‌به؛ کارگاه: مشبّه) // نغمه حروف یا واج‌آرایی: تکرار حرف «م» (به مام یا مادر مانند می کنند).

دانش زبانی: گروه اسمی «هر چیز گرانمایه» مفعول است؛ هر: صفت مبهم، چیز: هسته، گرانمایه: وابسته پسین (صفت بیانی).

معنا و مفهوم: مادر، مثل مروارید ارزشمندی است که در جهان آفرینش، مثل و ماندنی ندارد (بی نظیر است). به همین سبب است که اگر بخواهند هرچیز با ارزشی را با تشبیه، بزرگ و با ارزش به حساب آورند، آن چیز را به مادر تشبیه می کنند.

۳. ترکیب «مام میهن» را شنیده‌اید؛ از همان دست ترکیب‌های زبانی است که میهن را در پرورندگی و همزیستی به مام یا مادر همانند و هم‌نشین کرده است. از این دید، میهن، با همه هم‌پیوندان و باشندگان، مادرانه رفتار می کند. در چشم میهن، همه فرزندان این آب و خاک که زاد و بودند و ریشه وجودشان در خاک اینجاست، یکسان‌اند و هیچ رنگ و نژاد و لهجه و گویش و زبانی به دیده این مادر، بر آن دیگری برتری ندارد.

واژه‌های مهم: مام: مادر / پرورندگی: پرورش دادن / هم‌زیستی: زندگی در کنار هم / دید: دیدگاه، نگاه و منظر / هم‌پیوندان: وابستگان، دارندگان رابطه / باشندگان: جمع «باشنده»، حاضران، ساکنان / زاد و بود: زادگاه، مسکن و سرمايه / نژاد: اصل و نسب / لهجه: تلفظ متفاوت واژه‌ها در یک زبان / گویش: شاخه‌های یک زبان.

نکته‌های ادبی: تشخیص (چشم میهن، مادرانه رفتار کردن وطن با باشندگان) // تشبیه (مانند مادر بودن میهن) // کنایه (ریشه وجود در خاک داشتن: تعلق و وابستگی) // مراعات نظیر (خاک، ریشه، آب) (زبان، لهجه، گویش).

دانش زبانی: مام میهن: ترکیب اضافی / یکسان: مسند / همان: صفت اشاره.

معنا و مفهوم: مهربان بودن مام میهن برای همه ساکنان خود (اقوام ایرانی).

ترکیب «مام میهن» را شنیده‌اید؛ از جمله ترکیب‌های زبانی است که وطن را در پرورش دادن و با هم زیستن، به مادر تشبیه کرده است. از این دیدگاه، سرزمین، با همه وابستگان و ساکنان خود، رفتاری شبیه مادر دارد. همه فرزندان این سرزمین که محل تولد و زیستگاهشان است و همه وجودشان به این سرزمین وابسته است، در دیده میهن، یکسان هستند و هیچ قوم و رنگ و نژادی از نظر این مادر، بر دیگری برتری ندارد.

۴. اگر به گلستانی درآیید، نمونه این گونه‌گونی و یگانگی را به چشم می بینید و به عقل درمی یابید که به قد و قامت و رنگ و رخسار، اگرچه بسیارند؛ اما رنگ و ریشه همه در یک خاک نهاده شده است و از یک آبشخور، مایه‌ور و سیراب می شوند. گلستان، مام میهن و گاهواره گل‌های رنگین است و خارها و گل‌ها، فرزندان این مادرند.

واژه‌های مهم: درآیید: وارد شوید / گونه‌گونی: گوناگونی، مختلف بودن، تفاوت / یگانگی: اتحاد و یکی بودن / درمی یابید: متوجه می شوید / رخسار: چهره / آبشخور: سرچشمه، جایی که از آن می توان آبی گوارا نوشید / مایه‌ور: پرمايه، ارزشمند / گاهواره: تخت خواب طفل.



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متنی و زهرا کوشکی

نکته‌های ادبی: مراعات نظیر (چشم، عقل، قد، قامت، رنگ، رخسار/ ریشه، خاک، آب، خار، گل) // تشبیه: ۱- مام میهن (اضافه تشبیهی: ترکیب اضافی که در آن تشبیه به کار رفته است؛ یعنی میهن به مام یا مادر تشبیه شده است)؛ ۲- تشبیه میهن به گلستان؛ ۳- تشبیه گلستان به گاهواره گل‌های رنگین؛ ۴- تشبیه، فرزندان میهن به خارها و گل‌ها.

دانش زبانی: گروه‌های اسمی در نقش مسند: بسیار، مایه‌ور، مام میهن، فرزندان این مادر.

معنا و مفهوم: اگر وارد گلستانی شوید، مثالی از متفاوت بودن و در عین حال اتحاد را بینید و با خردتان، خواهید فهمید که [گل‌ها] از نظر اندازه، رنگ و چهره، اگرچه فراوان هستند، ریشه همه در یک خاک قرار داده شده است و همه از یک سرچشمه، سرشار و سیراب می‌شوند. این گلستان، سرزمین است؛ سرزمینی که مثل مادر است. گلستان، محل آرامش گل‌های رنگارنگ است و گل‌ها رنگارنگ و خارهای درون گلستان، فرزندان مام میهن هستند.

مفهوم کلی: توجه به خاستگاه مشترک به عنوان یکی از مشترکات اقوام ایرانی و مهربان بودن مام میهن برای همه فرزندان خود (ایرانیان).

۵. ایران ما با همه فراخنای فرهنگی و گستردگی جغرافیایی و گوناگونی گویش‌ها و رنگارنگی لهجه‌ها، به گلستانی می‌ماند که در دل و دامن خود، عزیزکانی را بی‌توجه به رنگ و چهره، نوا و ناله می‌پروراند و شیرۀ جان خویش در کامشان می‌دارد.

واژه‌های مهم: فراخنا: گستردگی، وسعت / فرهنگ: مجموعه دانش‌ها، هنرها، علوم، آداب و رسوم و ... / کام: دهان / می‌ماند: مانند و شبیه است (ادات تشبیه).

نکته‌های ادبی: تشبیه (ایران... به گلستانی می‌ماند) // واج آرایی یا نغمه حروف (در دل و دامن عزیزکانی را بی‌توجه به رنگ و چهره، نوا و ناله می‌پروراند) // شیرۀ جان خویش در کامشان می‌دارد؛ کنایه: با تمام وجود، آن‌ها را پرورش می‌دهد.

معنا و مفهوم: ایران با همه گستردگی فرهنگی و وسعت جغرافیایی و با گویش‌های متفاوت و لهجه‌های رنگارنگ (متنوع)، مانند گلستانی است که در وجود خود، افراد عزیزی را بدون توجه به رنگ و نژادشان، با تمام وجود پرورش می‌دهد.

۶. این ستد و دادِ مادر- فرزندی و جان‌فشانی یکی برای دیگری، دوسویه است. اگر فرزند را ناخوشی و گزند روی نماید، مادر بی‌خویش و ناآرام است و هرگاه مادر را اندوه و آسیبی فراگیرد، فرزندان نیز آرام و قرار ندارند و بی‌شکيب و به جان می‌کوشند تا آرامستان خانه را به آرامش بازآورند و خفاش‌خویان را از مهر رخ مادر، دور بدارند.

واژه‌های مهم: ستد: ستاندن، گرفتن / داد: دادن / ستد و داد: داد و ستد، معامله، خرید و فروش در اینجا: رفتار رویارو و دوجانبه / جان‌فشانی: خود را فدا کردن، از خود گذشتگی / دوسویه: دو طرفه / ناخوشی: ناراحتی / گزند: آسیب، ضرر / روی نماید: رخ دهد، پیدا شود / بی‌خویش: آشفته و بی‌قرار / قرار: آرامش / شکيب: صبر، تحمل / به جان: با تمام وجود / آرامستان: جای آرامش / باز آورند: برگردانند / خفاش‌خو: کسی که رفتار، عادت و خصلتی مانند خفاش دارد، منظور دشمنان است. / مهر: خورشید / رخ: چهره، صورت.

نکته‌های ادبی: تضاد (داد، ستد؛ آرام، ناآرام) // تشبیه (رخ مادر به مهر یا خورشید تشبیه شده است) // کنایه (به جان کوشیدن: با تمام وجود تلاش کردن)، (خوشی و ناخوشی: کنایه از همه وقت)، (جان‌فشانی: کنایه از: خود را فدا کردن، از خود گذشتگی).

دانش زبانی: مسندها: دوسویه، بی‌خویش / ناخوشی: نهاد.

معنا و مفهوم: این رفتار مادر و فرزند، و به خاطر دیگری از جان گذشتن، دوسویه است. اگر برای فرزندان ناراحتی و آسیبی به رخ دهد، مادر از خود بی‌خود و ناراحت و بی‌قرار می‌شود و هرگاه مادر گرفتار گزند و ناراحتی شود، فرزندان نیز بی‌قرار می‌شوند و بی‌صبرانه و با تمام وجود تلاش می‌کنند تا آرامش را به خانه (میهن) - که محل آرام گرفتن است - بازگردانند و کسانی را که رفتار و خصلتی مثل خفاش دارند از صورتِ مادر که مانند خورشید است، دور کنند. (دشمنان و بدخواهان را از سرزمینشان می‌رانند).



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متنی و زهرا کوشکی

۷. در طول تاریخ، بارها دیده‌ایم که هرگاه دشمنان و بدخواهان، دست ستم به سوی این مهرآشیان وطن دراز کرده‌اند، همه فرزندان، از همه سوی ایران به هر رنگ و نشان، هم‌صدا فریاد برآورده‌اند و مشت‌ها را گره کرده‌اند و پشت به پشت هم بر بیگانه تاخته‌اند. در دوران هشت ساله دفاع مقدس، ایرانیان همه برای وطن، تن را سپر کرده‌اند.

واژه‌های مهم: بدخواه: دشمن / مهر: محبت، مهربانی / آشیان: آشپخانه، لانه، خانه / تاخته‌اند: حمله کرده‌اند / بیگانه: ناآشنا، غریبه، در اینجا: دشمن / مقدس: پاک.

نکته‌های ادبی: مهرآشیان وطن: اضافه تشبیهی / کنایه (دست درازی کردن: کنایه از زورگویی و ستمگری)، (پشت به پشت هم: کنایه از با تکیه بر همدیگر، با پشتیبانی و حمایت یکدیگر)، (مشت‌ها را گره کردن: کنایه از نشان دادن خشم و غضب) (تن را سپر کردن: تشبیه و کنایه از فداکاری و دفاع کردن).

معنا و مفهوم: در طول تاریخ، بارها دیده‌ایم که هرگاه دشمنان، به این خانه مهر و محبت (میهن)، ستم کرده‌اند، همه مردم ایران از سرتاسر آن از هر قوم و نژادی، با هم متحد شده‌اند و با عصبانیت و خشم، با تکیه بر یکدیگر به دشمنان حمله کرده‌اند. در زمان هشت سال دفاع مقدس، همه ایرانیان، به خاطر وطن، آماده دفاع و فداکردن جان شده‌اند.

۸. مسلمان، مسیحی، زردشتی و دیگران از چهار سوی ایران چون آذری، بلوچ، ترک، عرب، فارس، کرد، گیلک، لر، مازندرانی و... ایستاده‌اند و فریاد برآورده‌اند:

شناسنده آشکار و نهان

همی‌خواهم از کردگار جهان

همه نیک‌نامی بودارتان

که باشد ز هر بد، نگهدارتان

(شاهنامه فردوسی)

واژه‌های مهم: کردگار: آفریدگار / شناسنده: دانا، آگاه، مطلع / آشکار و نهان: همه‌چیز / نیک‌نامی: خوشنامی / همی: در گذشته به جای «می»، «همی» به کار می‌رفت: همی‌خواهم: می‌خواهم (مضارع اخباری).

نکته‌های ادبی: آشکار و نهان: تضاد / نیک و بد: تضاد / مسلمان، مسیحی و زردشتی: مراعات نظیر / آذری، بلوچ، ترک، عرب، فارس، کرد، گیلک، لر، مازنی: مراعات نظیر.

۹. یکی از جلوه‌های مهربانی و همدلی را در رفتار شوق‌انگیز رهبر نظام اسلامی با خانواده شهدای اقلیت‌های مذهبی می‌بینیم؛ ایشان در دیدار با وابستگان شهدای مسیحی می‌فرمایند:

«ما در ایران، عرب ایرانی داریم، ترک ایرانی داریم، فارس ایرانی داریم، کرد ایرانی داریم، آشوری ایرانی داریم، ارمنی ایرانی داریم و... همه ایرانی هستیم... ایرانی بودن، اصل است. جمهوری اسلامی، مال همه است... یعنی شهروندان، آن کسانی که در زیر پرچم جمهوری اسلامی هستند، اینها با هم فرقی نمی‌کنند...».

واژه‌های مهم: جلوه: آشکار شدن، نمایان شدن، نمونه / اقلیت: گروه کم / وابستگان: خویشان، اقوام / شهروند: اهالی یک شهر، همشهری.

۱۰. این همزیستی و همدلی اقوام ایرانی، پشتوانه‌ای بسیار شکوهمند برای وطن است و سدی استوار به بلندای اراده پولادین ایرانیان پدید می‌آورد و میهن را در آوردگاه‌ها، از گزند دشمنان و اهرمن‌خویان می‌رهاند.

واژه‌های مهم: اقوام: جمع قوم، گروه‌ها / پشتوانه: حمایت، تکیه‌گاه / شکوهمند: با شکوه، با عظمت، بزرگ / استوار: محکم، پابرجا / اراده پولادین: اراده‌ای از جنس فولاد (تصمیم و همتی پایدار) / آوردگاه: میدان جنگ / اهرمن: اهریمن، شیطان / اهرمن‌خویان: کسانی که خوی و رفتاری مانند شیطان دارند. منظور دشمنان است. / می‌رهاند: آزاد می‌کند.



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متنی و زهرا کوشکی

۱۱. به هر روی، ایران از آن همه ایرانیان است؛ همه اینان که در خاکش بزرگ شده‌اند و از آبش نوشیده‌اند و در هوایش پرورده‌اند؛ با آرامش آن آرمیده‌اند و در آشوبش بی‌قراری کرده‌اند؛ در صحنه‌های رزمش، دلاورانه، پیکار کرده‌اند و در جشن‌هایش، صف‌های میلیونی بسته‌اند و دشمنان را انگشت به دهان گذاشته‌اند.

واژه‌های مهم: به هر روی: به هر ترتیب، در هر صورت/ آرمیده‌اند: آرامش یافته‌اند، آرام گرفته‌اند/ آشوب: هرج و مرج، شورش، غوغا/ بی‌قراری: ناآرامی، پریشانی/ صحنه رزم: میدان جنگ/ دلاورانه: مانند دلیران، شجاعانه/ پیکار: جنگ.

نکته ادبی: انگشت به دهان گذاشتن: کنایه از تعجب کردن و شگفت زده شدن.

۱۲. امروز همین حس مشترک، هم‌جوشی و هم‌کوشی، همزیستی ما را معنا می‌بخشد. به همین سبب است که ملت ایران، یک‌صدا چونان شیر می‌غرند و ندای واحدی برمی‌آورند که:

ندانی که ایران نشست من است جهان سرب سر، زبردست من است؟

همه یکدلانند، یزدان شناس به یکنی ندارند از بد، هراس

دریغ است ایران که ویران شود کُنام پلنگان و شیران شود

چو ایران نباشد، تن من مباد در این بوم و برزنده و یک تن مباد



همه سرب سر، تن به کشتن دهیم

از آن به که کشور به دشمن دهیم

(شاهنامه فردوسی)

واژه‌های مهم: چونان: مانند/ می‌غرند: فریاد می‌زنند/ ندای واحد: صدا و سخن یکسان/ نشست: محل زندگی/ سر به سر: تمام، کُل/ یزدان: ایزد، خدا/ هراس: ترس/ دریغ: افسوس، حیف/ کُنام: محل زندگی جانوران وحشی، لانه/ چو: اگر/ بوم و بر: سرزمین/ از آن به: از آن بهتر است.

نکته‌های ادبی: کنایه: (زیر دست بودن: تحت فرمان بودن، تحت اختیار بودن)، (کشور به دشمن دادن: کنایه از تسلیم شدن)/ جناس (ایران، ویران) (تن و من در بیت ۴)/ نیک و بد: تضاد/ یکدل: کنایه از متحد بودن.

معنا و مفهوم: امروز همین حس مشترک، صمیمیت و تلاش مشترک، به با هم زندگی کردنمان، معنا می‌دهد. به همین دلیل است که مردم ایران، متحد مانند شیر فریاد می‌زنند و یک‌سخن را با هم می‌گویند؛ آن سخن این است که:

نمی‌دانی که ایران محل زندگی من است و تمام دنیا، تحت فرمان و در اختیار من است؟

تمام مردم ایران یکدل و خداشناس هستند و برای انجام کار پسندیده از انسان‌های بد ترسی ندارند.

حیف است که ایران، نابود شود و جایگاه و لانه حیوانات وحشی و درنده شود.

اگر ایران از بین برود، دعا می‌کنم که من هم نباشم و در این سرزمین، حتی یک نفر هم زنده نماند.

اگر همگی کشته شویم، بهتر از آن است که کشورمان را به دست دشمنان بدهیم.



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متی و زهرا کوشکی



فردوسی در روستای باژ (نزدیک توس خراسان) به دنیا آمد. از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، به سال (۴۱۱ ه. ق.) درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای داشته است.



نکته ادبی (متضاد / تضاد / مخالف / طباق)

هرگاه دو یا چند کلمه از نظر معنایی در تضاد (ضد هم) باشند، به آن‌ها کلمات «متضاد» می‌گویند؛ نمونه‌ها: ستد و داد / خوشی و ناخوشی / بد و نیک / آشکار و نهان / رفت و نرفت.

نکته ۱. تضاد یک عنصر معنایی است و نوع رابطه دو کلمه، از این دید، رابطه معنوی می‌گویند.

نکته ۲. بهره‌گیری از رابطه معنوی تضاد، سبب گسترش دامنه معنا و جذابیت فضای معنایی سخن می‌شود.



دوراندیشی

شعرخوانی

قالب: مثنوی (هر بیتی دو قافیه جداگانه دارد. قافیه‌ها عبارتند از: آزادگان، همزادگان / پسر، سر / دست، شکست / همسال، حال / گفت، نهفت / آشکار، شرمسار / کودکی، یکی / همراهان، نهان و...).

موضوع و محتوا: دقت در انتخاب دوست و همنشین؛ بهره‌گیری از خرد، اندیشه و چاره‌جویی در مشکلات؛ تأکید بر اینکه «دشمن دانا از دوست نادان بهتر است».



دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی متنی و زهرا کوشکی

تمرین کنید تا بتوانید شعر را درست و روان بخوانید. با تکرار، لحن مناسب را پیدا کنید. برای کسب مهارت در خواندن، می توانید از فایل صوتی (کتاب گویای) فارسی نهم که در سامانه رشد درج شده است، استفاده کنید؛ پس از کسب مهارت، شعر را یک بار با صدای بلند بخوانید و هنگام خواندن آیات به واژه ها و محلات مهم هر بیت توجه کنید:

کودکی از جملی آزادگان رفت برون بادوسه همزادگان

جمله: گروه / آزادگان: جمع آزاده: نجیب، جوانمرد، باصالت / برون: مخفف بیرون / همزادگان: ج همزاد، هم سن و سالان.

پای چون در راه نهاد آن پسر پویه می کرد و درآمد به سر

پویه: دویدن، جست و جو / می کرد: درآمد به سر: با سر به زمین خورد.

پایش از آن پویه درآمد دست مهر دل و مهره ی پشش شکست

درآمد ز دست: آسیب دید، از دست رفت / مهر دلش شکست: کنایه از ناامید شدن / مهره پشت: ستون فقرات. شد نفس آن دو سه هم سال او همسال: هم سن / حادثه: رخداد، اتفاق / تنگ شدن نفس: کنایه از دچار آشفتگی و اضطراب شدن.

آن که و را دوست ترین بود گفت در بن چایش باید نهفت

و را: او را / بن: تنه / در بن چایش: او را در تنه چاهی... / باید: نهفت: پنهان کردن.

تا نشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار

راز: سر / شرمسار: شرمنده / راز و روز: جناس.

عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود از ایشان یکی

عاقبت اندیش: آینده نگر / ایشان: آنان، آن ها / مرجع ضمیر او، کودک نجیب زاده است.

گفت: «همانا که در این همزمان صورت این حال مانند نمان

همانا: یقیناً، بی شک، قطعاً / در این: به صورت مخفف (درین) خوانده شود. / همزمان: مخفف همراهان این حال: این وضعیت، این رخداد / نهان: پنهان، مخفی.



دکتر احمد گنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی

چون که مرا زین همه دشمن نهند
تهمت این واقعه بر من نهند

زین: مخفف از این / نهند: تصوّر می کنند، به شمار می آورند / تهمت: افترا، گمان بد، نسبت ناروا دادن به کسی / واقعه: رخداد، اتفاق.

زی پدرش رفت و خبردار کرد
تا پدرش چاره آن کار کرد

زی: به سوی، نزد / خبردار: آگاه.

هر که در او جوهر دانی است
بر همه چیزش توانایی است

مفهوم بیت = توانا بود هر که دانا بود (فردوسی) / جوهر: اصل / جوهر دانی: اصل و اساس آگاهی و هوشیاری.



نظامی گنجوی (قرن ۶): شعر دورانیشی برگرفته از کتاب

«مخزن الاسرار» است. دیگر آثار نظامی عبارتند از: خسرو و شیرین،

لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه.

مخزن الاسرار: سروده نظامی که حدود ۲۲۶۰ بیت دارد. موضوع

آن اخلاق، مواعظ و حکم (حکمت‌ها) است. سرودن مخزن الاسرار

در حدود سال ۵۷۰ ه. ق. به اتمام رسیده است.